

STRUCTURAL ORIENTATION IN THE PRODUCTION OF ARCHITECTURE THEORY IN CONTEMPORARY PERIOD OF IRAN

Saeed Haghir

Assistant Professor in University College of Fine arts University of Tehran,

Ph.D. in History of Art and Architecture from University of Pantheon - Sorbonne (Paris 1), saeed.haghir@gmail.com

Abstract: It seems that the production of theorized type or types from Iranian architecture in current Iran, is a difficulty that has alternatively been dealt with, and most of the explanations and comments indicate that today's Iranian architecture has problems in the production of theories in architecture which can express Islamic Revolution's goals. On the one side, the general process of the expansion of architecture in Iran after the Revolution and the practical and theoretical tendencies resulting from that process, despite the ideological desire of the political system, still follows the path and tendencies of the early 1970s before the Revolution.

This article, in addition to examining the quantity and statistical and topical classification of theoretical resources in the contemporary Iranian architecture in Persian, also tries to show the general tendencies in tastes of architects and critics in the field of architecture and civil construction. According to this study, it can be seen that architectural tendencies and western styles have had a dramatic theoretical increase in the last 15 years and this can well justify as to why in the last years the architectural works created in Iran, have not moved in the direction of finding a domestic architecture.

جهت گیری ساختاری در تولید نظریه معماری در ایران معاصر

سعید حقیر

چکیده: تولید گونه هایی نظریه پردازی شده از معماری ایرانی در ایران امروز، معضلی است که متناوباً در سطوح نظری به آن پرداخته می شود. اکثر بیان ها و نظرها نشان از این نکته دارد که معماری امروز ایران در تولید نظریه ای معماری که توانایی بیان اهداف انقلاب اسلامی را داشته باشد، با دشواری هایی روبروست. از طرفی چنین بنظر می رسد که گرایش های معماری ایران امروز در دوران قبل از انقلاب اسلامی نظریه پردازی شده است. بدین لحاظ شناخت کمیت و کیفیت نظریه های معماری در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود. در مقاله ای که در پیش رو دارید سعی شده است تا علاوه بر بررسی کمی و طبقه بندی آماری و موضوعی منابع نظری در معماری امروز ایران به زبان فارسی در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، جهت گیری علایق عمومی جامعه معماران و منتقدان حوزه معماری و شهرسازی در ایران امروز نشان داده شود. نتایج این مطالعه به مصداق ریاضی کلمه نشان می دهند که با توجه به کمیت و کیفیت کار انجام

تاریخ وصول: ۸۶/۵/۲۰

تاریخ تصویب: ۸۸/۲/۱۸

دکتر سعید حقیر، استادیار پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، گروه مطالعات عالی هنر، saeed.haghir@gmail.com

شده نظری در این حوزه، انتظار رسیدن به یک معماری نظریه پردازی شده در شرایط موجود، واقع بینانه نمی باشد و جای کار بسیاری هنوز باقی است.

واژه های کلیدی: نظریه معماری، نشر معماری، مجلات معماری، نقد معماری، معماری ایرانی اسلامی

۱. مقدمه

طرح مسئله- چنین بنظر می رسد تولید گونه یا گونه هایی نظریه پردازی شده از معماری ایرانی در ایران امروز، معضلی است که متناوباً در سطوح نظری به آن پرداخته می شود، و اکثر بیان ها و نظرها نشان از این نکته دارد که معماری امروز ایران دارای دشواری هایی در تولید نظریه ای در معماری است، که توانایی بیان اهداف انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۰ م. (۱۳۵۷ ش.) را داشته باشد.

البته به صورت طبیعی و عمومی، تأثیرات ناشی از انقلاب های سیاسی در شکل گیری معماری امروز ایران در فرایند تولید نظریه و تولید معماری به چشم می خورد. مشاهده می شود که با وقوع انقلابات سیاسی در یک قلمروی سیاسی تمایلات به معماری کلاسیک و تاریخی آن قلمرو، افزایش می یابد، و این اتفاقی به ظاهر خلاف جریان طبیعی است. چرا که انتظار می رود با وقوع انقلاب سیاسی، معماری ای انقلابی و نوگرا ایجاد شود. در صورتی که معماری از آنجا که یکی از نمایه های مهم استقرار تمدن است و برای دولت نوین یاد انقلابی، نمایش ثبات و استقرار یک ضرورت سیاسی تلقی می شود، پس از انقلاب، بر خلاف انتظار عمومی، نه تنها سبکها و نظریه های انقلابی معمارانه حاصل نمی شود، که معماری جهت کلاسیک را نیز پیش می گیرد. جهتی که در آن ثبات و سنگینی به چشم می خورد [۱۳].

در معماری ایران پس از انقلاب نیز توجه به معماری کلاسیک ایرانی، بویژه دوران پس از اسلام نیز به چشم می خورد. مسیری که چه از نظر ایدئولوژیک و چه از نظر منطق معماری های پس از انقلاب موجه بنظر می رسد. ولی نکته مهم آنست که، از طرفی این توجه از سالهای پیش از انقلاب در معماری ایران به عنوان جریان بسیار مؤثر در معماری، مورد توجه بوده است، و از طرف دیگر ملاحظه می شود که نظریه ها و نمونه های تولید شده از این گرایش معماری در پیش از انقلاب (نمونه هایی مانند موزه هنر معاصر تهران و یا مجموعه دانشگاهی امام جعفر صادق و ...)، اگر نگوییم عمدتاً موفقتر از کارهای بعد از انقلاب بنظر می رسند، باید اذعان نماییم که نمونه های در خور توجهی هستند [۱۴]. به این معنا، نمی توان رسیدن به معماری کلاسیک ایرانی در دوران معاصر ایران را دستاورد انقلاب اسلامی دانست.

چنین بنظر می رسد که فرایند کلی توسعه معماری ایران پس از انقلاب و گرایشهای نظری و عملی معماری حاصل از این فرآیند، علی رغم خواست ایدئولوژیک نظام سیاسی، و حضور پتانسیل های

بالای آن در فرهنگ و معارف اسلامی، همان مسیر و همان گرایشهای اوایل دهه ۱۹۷۰ م. (حدوداً دهه ۱۳۵۰ ش.) در قبل از انقلاب را دنبال می کند. یعنی فرآیندی که با نگاههای نوستالژیک هوشنگ سیحون آغاز گشته و با تفکرات لیت مدرنیستی نادرالدان و کامران دیبا و دیگران، به صورت نظریه پردازی شده تجربه می شد. بدین معنا است که می توان چنین نتیجه گیری نمود که گرایش های معماری کلاسیک ایرانی در معماری معاصر ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی نظریه پردازی شده است. چنانکه می توانیم معماری سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ م. در ایران (یعنی حدود هشت سال پیش از انقلاب اسلامی) تا به امروز را در یک دوره و شاید با نام "معماری/امروز ایران" طبقه بندی کنیم [۱].

بدین لحاظ شناخت دلایل این نکته که چرا در دوران سی ساله پس از انقلاب، علی رغم وجود منابع مطالعاتی دست اول در حکمت نظری و عملی اسلام، دستیابی به نظریه معماری خودی متناسب با زندگی امروز در ایران هنوز با دشواری روبروست، موضوعی اساسی و دارای اهمیتی فوق العاده در معماری امروز ایران است.

پاسخ به این سؤال به اقدامی همه جانبه و چند بعدی نیاز دارد. این مسئله را می توان از زوایایی همچون بررسی شرایط اولیه انقلاب و دستیابی به حداقل های کمی، آموزش معماری، مسائل زیبایی شناسی و ایدئولوژیک، شرایط تولید نظریه و حتی ضوابط و اصول مربوط به حوزه نقد و نظر مورد بررسی قرار داد.

نگارش و نشر نیز از ابزار های اصلی پرورش نظریه معماری است. و البته نوشتن درباره معماری فنی است که خود نیاز به فراگیری دارد. نوشتن در حوزه معماری، هم در شعاع فلسفه است، هم در شعاع ادبیات و هم در شعاع تکنیک [۲]. لذا نویسنده معماری می بایست دارای احاطه نسبت به حوزه های یاد شده باشد. بنابراین یکی از مآخذ ارزیابی ما درباره وضعیت نظریه در معماری معاصر ایران، آثار مکتوب منتشر شده به زبان فارسی در حیطه نظریه معماری است. در مقاله ای که در پیش رو دارید آنچه که در این حوزه مورد توجه واقع شده است بررسی کمی و محتوایی در تولید نظریه علمی در معماری ایرانی به زبان فارسی است. اما هر حرفی درباره معماری (هرچند که می تواند در حوزه نقد قرار گیرد) قطعاً یک نظریه نیست. در این مطالعه، ما به بررسی آثار مکتوبی می پردازیم که کم و بیش به بحث نظری درباره معماری می پردازد، و به شکلی جهت گیری اصلی مطالب آنها در نزدیک شدن به نظریه معماری است، و یا مقدماتی را برای پرداختن به نظریه فراهم می کند.

مواد، رویه و روش تحقیق - مواد مورد نیاز این تحقیق شامل فهرست بندی موضوعی به همراه اطلاعات محتوایی کتب معماری به علاوه فهرست نشریات تخصصی معماری و شهرسازی به زبان فارسی در ایران از ابتدای دوران معاصر تا کنون می باشد. در کتابنامه معماری^۱ فهرست و مشخصات کلی آثار منتشر شده به زبان فارسی از سال ۱۹۲۵م. (۱۳۰۴ش.) تا سال ۱۹۹۰م. (۱۳۶۹ش.) جمع آوری شده است. و از سال ۱۹۹۱م. (۱۳۷۰ش.) به بعد نیز فهرست موضوعی کتب و نشریات معماری از طریق *کتابخانه ملی ایران*^۲ استخراج شده و در دسترس می باشد.^۳ لیکن در خصوص نشریات هیچ فهرست مشخص و کافی ای برای مطالعه وجود ندارد و تنها راه برای دستیابی به آن بررسی آرشیوهای متفاوت است.

بدین لحاظ این تحقیق به روشی کتابخانه ای صورت گرفته است، و از نظر روش تحقیق در قالب روش ترکیبی قرار می گیرد. چرا که این پژوهش از زاویه ای آماری - تحلیلی واز زاویه ای دیگر توصیفی - تحلیلی محسوب می شود. به این ترتیب که با بررسی کتابخانه ای کارهای انجام شده به مطالعه آماری آثار مکتوب منتشر شده درباره معماری در ایران معاصر پرداخته شده است و نتایج مطالعه آماری مورد تحلیل قرار گرفته است. از طرف دیگر ضمن معرفی و توصیف مهمترین آثار و نویسندگان آنها، به تحلیلی از وضعیت نشر معماری و نتایج آن در نظریه پردازی معماری در ایران معاصر پرداخته شده است. که با مقایسه با بخش آماری تحقیق، نتایج قابل توجهی حاصل آمده است.

پیشینه تحقیق - تنها کار انجام شده در حوزه این تحقیق، مطالعه ای آماری، گزارش گونه و البته از جهاتی قابل توجه است که در سال ۱۹۹۸م. (۱۳۷۷ش.) توسط "د. سمرقند" انجام گرفته است [۳]. در مطالعه ای که وی انجام داده است، تهیه فهرست تفکیکی نشر معماری به زبان فارسی تا سال ۱۹۹۴م. (۱۳۷۳ش.) مد نظر قرار گرفته و در انتها چند اتوبیوگرافی حاصل از مصاحبه با معدودی از نویسندگان و معماران ایرانی را به تحقیق خود اضافه نموده است. منبع تحقیق وی تنها مجموعه دوجلدی *کتابنامه معماری*^۴ تهیه شده توسط خانم طاهره مفتخری نظری پور بوده است [۴] و بدین لحاظ از آثار و نشریات منتشر شده از سالهای بعد از کتابنامه یعنی ۱۹۹۴م. (۱۳۷۳ش.) به بعد در آن خبری نیست. همچنین تحقیق د. سمرقند، در راستای معرفی آثار انتشار یافته معماری در ایران بوده و فاقد نگاهی تحلیلی به نتایج آماری می باشد.

مطالعات نشان می دهد علی رغم وجود نظریه های ارزشمند فلسفی و اندیشه ای در بخش ساختمانی بناها، و وجود منابع حکمی و دینی، مقوله نظریه پردازی و نقد در کلام معماری، در دوران های ما قبل دوران معاصر در ایران وجود نداشته و یا اگر هم بوده است، چیز زیادی از آن مکتوب نشده است و به زبان روز باز تولید نشده و یا به دست ما در دوران حاضر نرسیده است.^۱ در واقع ادبیات معماری در نگارش، کلام و نقد مقوله ای کاملاً معاصر در فرهنگ ایرانی محسوب می شود. به این معنا، طرح نظریه معماری در ایران معاصر، مبحثی است جدید که عمدتاً با استفاده از الگوهای غربی شکل گرفته است و یا اساساً ترجمه آثار غربی به زبان فارسی می باشد.

نکته قابل توجه آنست که زبان فارسی، زبان رسمی کشور ایران است. بر خلاف برخی از کشورها که زبانهای دانشگاهی و علمی شان را بنا به دلایلی،^۲ زبانی غیر ملی انتخاب می نمایند،^۳ در ایران علی رغم برخی تلاشهایی که در دوران پهلوی اول و دوم برای استفاده از زبانهای فرانسه و انگلیسی در عرصه دانشگاهی در ایران شد،^۴ ولی هیچگاه این زبانها جای زبان فارسی را نتوانست بگیرد و کماکان زبان فارسی، زبان اول علمی و دانشگاهی ایران باقی ماند.^۵ هرچند که بخش قابل توجهی از منتقدین و نویسندگان معماری در ایران امروز توانایی استفاده از متون تخصصی با زبانهای اصلی را دارا می باشند، لیکن باید اذعان نمود که بخش قالب معماران ایرانی که در ایران تحصیلات خود را انجام داده اند، فاقد این توانایی هستند. به این ترتیب برای دستیابی به الگوهای نظری در معماری و عمومی کردن آنها، تنها راه باقی مانده، نشر متون نظری معماری به زبان فارسی میباشد.

این مقاله سعی دارد تا علاوه بر بررسی کمی و طبقه بندی آماری و موضوعی منابع نظری در معماری امروز ایران به زبان فارسی، جهت گیری ساختاری جامعه معماران و منتقدان حوزه معماری و شهرسازی را در ایران امروز نشان دهد.

^۱ در این زمینه بطور قطع رجوع به منابع تاریخی و اسلامی و باز تولید آن متناسب با شرایط زمان ضرورتی انکار ناپذیر است لیکن متأسفانه بجز لوح باستانی حمورابی که قوانینی برای عملکرد معمار طرح کرده است و برخی الواح گلی در تخت جمشید که در آن نظام ساختمانی کارگاه توضیح داده شده، و گاهاً به این موارد اشاره شده است کار عمده ای صورت نگرفته است. - نگارنده.

^۲ طرح دلایل این امر در حوزه مطالعه این مقاله نیست. - نگارنده.

^۳ به عنوان مثال در برخی کشور های شمال آفریقا عمدتاً دانشگاهها فرانسوی زبان هستند و در تعداد محدودی از دانشگاهها دروس به زبان عربی تدریس می شود. - رجوع کنید به گزارش وزارت علوم تحقیقات و فن آوری ایران در ارزشیابی دانشگاههای خارج از کشور - بهار ۱۳۸۰.

^۴ در دوران پهلوی اول و پهلوی دوم سعی بسیار می شد تا زبان علمی کشور به زبان فرانسه و بعدها انگلیسی تبدیل شود. - نگارنده.

^۵ در هر صورت زبان های فرانسه و انگلیسی و یا حتی عربی در ایران زبانهایی بودند که دانش آموزان آنها را فقط در حد رفع احتیاج آموزش می دیدند. - نگارنده.

^۶ رجوع کنید به آرشیو تخصصی معماری، کتابخانه ملی ایران، تهران. تا انتهای سال ۲۰۰۵.

^۷ لازم به ذکر است که مطالعات آماری که در ادامه این بحث می آید، بر مبنای همین دو رفرنس است که از اعتبار علمی و رسمی برخوردارند. - نگارنده.

زمانی نزدیک به یک هفتم، میزان کمی رشد آثار نزدیک به هشت برابر شده است.

بر این مبنا ملاحظه می شود، توجه به مبانی نظری در معماری و شهرسازی در دوره دوم تاریخ نشر معماری در ایران از اقبال عمومی بالایی برخوردار بوده است. لیکن بررسی این نکته، که این اقبال عمومی تا چه میزان در راستای اهداف دستیابی به نظریه ای در معماری ایرانی بر مبنای نیازهای ایران امروز پس از انقلاب متمرکز بوده است، نیازمند آن است تا به تقسیم بندی موضوعی و محتوایی این آثار در دو دوره فوق الذکر بپردازیم.

۳. تقسیم بندی موضوعی آثار مکتوب معماری

در دوره اول

در مطالعه موضوعی دوره اول، مهمترین مرجع در فهرست برداری از آثار، کار تحقیقی "د. سمرقند" می باشد، هرچند که در مقاله حاضر به تحقیق وی اکتفا نشده و بر مبنای بررسی های مجدد، در مواردی اصلاحات لازم صورت پذیرفته است.

قدیمی ترین کتابی که در *کتابنامه معماری*^{۱۰} به آن اشاره شده است^{۱۱}، اثری است با نام "فهرست آثار و ابنیه تاریخی ایران"^{۱۲}، که جزوه ای ۳۸ صفحه ای است و به سال ۱۹۲۵ م. (۱۳۰۴ ش.) منتشر شده، و قدیمی ترین نشریه مجله ای است با نام "آرشیکت" که به سال ۱۹۴۶ م. (۱۳۲۵ ش.) اولین شماره آن منتشر شده است [۶]. این دو اثر را می توان نشانه آغاز دو جریان موازی در نگارش معماری به حساب آورد. البته دومی بیست سال دیرتر از اولی وارد میدان شده است و هردو از سنت غربی نگارش درباره معماری بهره گرفته اند. جریان اول «به تاریخ و گذشته معماری نظر دارد، الگوی پژوهشش باستان شناسی و تاریخ است، پیوندی با حرکت های معاصر معماری ندارد، و در نظام علمی و دانشگاهی ایران به خانواده ادبیات [بیشتر] تعلق دارد» [۷] تا به معماری و هنر. جریان دوم به عکس متأثر از ادبیات معماری دوران مدرنیست است. پایگاهش معماران تحصیلکرده غرب و همچنین دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. حوزه مباحث آن طرح دیدگاههای مدرن و الزام به تحول جدی در معماری ایرانی است. به این ترتیب جریان دوم را در شروع این حرکت، بیشتر می توان به سمت نظریه معماری منتسب دانست تا جریان اول را. به هر حال بهتر است دو جریان موازی نشر کتاب و انتشار مجله را بصورت تفکیک شده در هر دوره بررسی نماییم:

بدین لحاظ مقاله حاضر هرچند که در فرآیند تدوین خود به اثر فوق الذکر نظر داشته است و از اطلاعات آن بهره برده است، لیکن با بررسی کتابخانه ای به تکمیل فهرست آماری نشر معماری به زبان فارسی تا سال ۲۰۰۵ م. (۱۳۸۴ ش.) پرداخته و بر خلاف تحقیق پیشین نگاهی تحلیلی به مطالعه تطبیقی آمار و محتوای آثار داشته است. لذا از این منظر نتایج حاصله در مقاله حاضر منحصر بفرد تلقی می شود.

۲. دوره بندی زمانی نشر معماری در ایران معاصر

مطالعه کمی آثار منتشر شده در کل دوران تاریخ نشر معماری در ایران - بویژه در عرصه کتاب - به وضوح نشان می دهد که در یک مقطع زمانی با جهش بسیار قابل توجهی در تولید آثار مکتوب در عرصه معماری و شهرسازی مواجه می شویم. بر این مبنا دو دوره زیر به آسانی در تاریخ نشر معماری در ایران قابل تفکیک می باشند:

دوره اول، از زمان اولین نشر معماری در کشور که به سال ۱۹۲۵ م. (۱۳۰۴ ش.) آغاز می شود و تا سال ۱۹۹۲ م. (۱۳۷۳ ش.) ادامه می یابد. مطالعه نشان می دهد که در بین سالهای دوره اول، یعنی در محدوده زمانی ای معادل ۶۷ سال، جمعاً ۴۰۷ اثر، یعنی به صورت متوسط هر سال نزدیک به ۶ اثر، در رابطه با معماری به زبان فارسی منتشر شده است [۵]، که از این میان تعداد بسیاری گرد آوری، دوباره نویسی، پایان نامه های غیرتحقیقاتی، حتی گزارش های مربوط به طرحهای عمرانی دولتی ویا کتابهای تفننی و سطحی و یا مهارتی است که به آسانی می توان آنها را کنار گذاشت. با کمی گشاده دستی ۸۳ کتاب، یعنی حدود ۲۰ درصد از کل را می توان به عنوان آثار نظری قابل بحث در معماری و شهرسازی، برگزید.

دوره دوم، از سال ۱۹۹۲ م. (۱۳۷۴ ش.) آغاز و تا سال ۲۰۰۵ م. (۱۳۸۴ ش.) یعنی تا زمان جمع آوری اسناد این مقاله، ادامه می یابد. از ابتدای دوره دوم نشر معماری در ایران به این سو، موج بزرگی از انتشار آثار (ترجمه و تألیف) معماری و شهرسازی به زبان فارسی در ایران آغاز می شود. بدین گونه که در این دوره زمانی یعنی در یک پرپود ۱۳ ساله ۵۶۰ عنوان اثر معماری و شهرسازی در حیطه نظریه و تاریخ معماری تدوین و منتشر شده است^۱. یعنی به صورت متوسط هر سال نزدیک به ۴۳ اثر در زمینه معماری و شهرسازی به طبع رسیده^۲. این آمار در تناسب با دوره اول نشان می دهد که در

^۱ رجوع کنید به آرشیو تخصصی معماری، کتابخانه ملی ایران، تهران. تا انتهای سال ۲۰۰۵.

^۲ این آمار منهای پایان نامه های دانشجویی، گزارش های مربوط به طرحهای عمرانی دولتی، آثار تفننی و غیر تحقیقاتی و کتابهایی در آموزشهای مهارتی معماری مانند ترسیمات فنی، آموزش نرم افزارهای کامپیوتری مربوط به معماری و یا حتی کتابهای فنی تأسیسات و سازه ساختمان است. - نگارنده.

^{۱۰} در این زمینه تحقیقات نگارنده نیز اثر قدیمی تری را نشان نمی دهد.

^{۱۱} مشخصات کامل این اثر عبارت است از: گروهی از نویسندگان، *فهرست آثار و ابنیه تاریخی ایران*، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۰۴.

^{۱۲} مشخصات کامل این نشریه به شرح زیر است: *مجله آرشیکت*، انتشارات انجمن آرشیکت های ایرانی دیپلمه، ۱۳۲۷-۱۳۲۵.

انرژی در دنیای فضا و زمان، تألیف علی اصغر طلامینائی، به زبان انگلیسی نوشته شده و بعداً توسط مهدی سررشته داری به فارسی برگردانده شده است [۹].

آثار برگزیده شده برای ترجمه اکثراً متعلق به نویسندگان معروفی مانند نیکولاس پوزنر^{۱۶}، زیگفرید گیدئون^{۱۷}، برونو زوی^{۱۸}، رابرت ونتوری^{۱۹} و ... بودند، که اگر ترجمه‌های خوبی می‌داشتند می‌توانستند، کم‌وبیش به همان شهرت و اعتبار ترجمه‌منوچهر مزینی از کتاب "فضا، زمان و معماری" اثر گیدئون دست یابند. به عنوان مثال علی رغم ترجمه کتاب مشهور رابرت ونتوری با عنوان (Complexity and Contradiction in Architecture) که در فارسی با نام "پیچیدگی و تضاد در معماری" ترجمه شد، به دلیل ترجمه کاملاً غیر فنی، هرگز این کتاب به یک مرجع فارسی تبدیل نشد. در زمینه معماری جدید ایران غیر از یک اثر، آنها با نام "یادنامه وارطان هوانسیان" نوشته بهروز پاکدامن تا انتهای دوران اول هیچ اثر دیگری منتشر نشد.

۶ کتاب در باره "تاریخ عمومی هنر و از جمله معماری":

که در این حوزه نیز جز یک اثر بقیه همه ترجمه‌اند. که در میان آنها "تاریخ هنر جنسن" با ترجمه خوب پرویز مرزبان سهم قابل ملاحظه‌ای را به تاریخ معماری اختصاص داده است.

۲ کتاب "واژه‌نامه"،

۱ کتاب در باره "نظریه عمومی در معماری"،

۱ کتاب درباره "معماری معاصر ایران" است.^{۲۰}

۳-۲. نشر مجلات تخصصی در دوره اول:

در بخش نشریات و مجلات معماری نیز همانگونه که گفته شد اولین مجله معماری ایران "آرشیکتک" بود، که از سال ۱۹۴۶م. (۱۳۲۵ش.) تا سال ۱۹۴۸م. (۱۳۲۷ش.)، اگر چه بصورت دو ماه یک بار برنامه ریزی شده بود، لیکن بیش از ۶ شماره از آن هرگز منتشر نشد. اولین شماره در اوت ۱۹۴۶م. (مرداد ۱۳۲۵ش.) و آخرین آن در ژوئیه ۱۹۴۸م. (تیر ۱۳۲۷ش.) انتشار یافت. "آرشیکتک" در این ۶ شماره طی مقالاتی به معرفی معماران جدید ایرانی، نمونه‌هایی از معماری جدید غرب و کمی به معماری تاریخی ایران پرداخت. مهمترین مقاله آن که در سه شماره پیاپی ادامه یافت مقاله‌ای از وارطان هوانسیان با نام "چشم‌انداز معماری ایران" بود، که در آن به مسایل روز و آینده معماری ایران پرداخته شده بود [۱۰].

۳-۱. نشر کتاب در دوره اول

آمار نشان می‌دهد در یک طبقه بندی کلی از مجموع ۸۳ اثر درخور تامل در دوره اول، ۵۳ کتاب (حدود ۶۳ درصد)، به موضوعاتی در حیطه "معماری ایرانی - اسلامی" و ۳۰ کتاب (حدود ۳۷ درصد)، به موضوعاتی بامضامین "معماری معاصر" و یا "تاریخ معماری غرب" تعلق دارند [۸].

به صورت جزئی‌تر، از میان ۵۳ عنوان کتاب در حوزه "معماری ایرانی - اسلامی" می‌توان تقسیم بندی موضوعی زیر را اعمال نمود: ۲۹ کتاب، "تاریخ هنر و معماری ایرانی و اسلامی":

که ۲۰ مورد آن (۷۰ درصد) ترجمه و ۹ مورد (۳۰ درصد) تألیف است. در میان مؤلفان تاریخی معتبرترین آنها آندره گدار^{۱۳} و آرتور پوپ^{۱۴} می‌باشند، که هر دو به شیوه باستان شناسی در خصوص معماری ایرانی تألیفات ارزنده‌ای دارند.

۱۴ کتاب، "فنون معماری سنتی ایران":

که فقط دو مورد آن ترجمه است و ۱۲ مورد بقیه تألیفند. و ۵ عنوان از تألیفات نوشته دو تن از معماران سنتی معروف ایران به نامهای حسین لرزاده و حسین زمرشیدی می‌باشند و نسبتاً از ارزش تحقیقی بالایی برخوردارند،

۳ کتاب، "مجلداتی از دایره‌المعارفهای عمومی اسلامی":

شامل مدخلهای مربوط به "معماری ایرانی و اسلامی" و ۷ کتاب، "نظریه معماری سنتی ایران":

که همگی دارای ویژگی یکسانی در هدف پژوهش خود هستند، و آن به بکار گرفتن معماری سنتی ایران در خدمت معماری امروز است. به عبارت دیگر این معماری جدید است که پژوهشگرانی را به بررسی سنن دیر پای معماری ایران واداشته است. در زمینه آثار نظریه معماری سنتی در این دوره بر حسب آثار منتشر شده، بیشترین سهم به محمود توسلی می‌رسد که از سال ۱۹۷۳م. (۱۳۵۲ش.) تا ۱۹۹۰م. (۱۳۶۹ش.) تقریباً هر سه سال یک پژوهش تازه منتشر کرده است. او در آثار خود با بررسی آراء صاحب‌نظران امروز شهرسازی جهان و با بازنگری مداوم در کارهای خود شاید منظم‌ترین کوشش را در این دوره در پروراندن نظریه معماری به انجام رسانیده است.

۳۰ کتاب حوزه "معماری معاصر" در دوره اول نشر را نیز میتوان بر اساس موضوع به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

۲۰ کتاب درباره "نظریه معماری معاصر":

که جز دو کتاب کم‌اهمیت^{۱۵}، بقیه همه ترجمه‌اند. حتی کتاب "هنر، علم و معماری: معماری به مثابه فرآیند پویای ساخت‌گیری ماده -

^{۱۳} آندره گدار (1881-1965) André GODARD

^{۱۴} آرتور اوپهام پوپ (1881-1969) Arthur Upham POPE

^{۱۵} این دو کتاب عبارتند از:

- موسویان، محمد رضا، (۱۳۶۲): اصول و مبانی معماری و شهرسازی، تهران.

- ابراهیمی، محمد حسن، فرضیان، محمد، (۱۳۵۴): تحقیقی در باره معماری شوروی، کنستروکتیویسم، تهران.

که هیچیک کار جدی و نویی به حساب نمی‌آید و در واقع بیشتر یک جمع‌آوری است تا تألیف.

^{۱۶} نیکولاس پوزنر (1902-1983) Nikolaus PEVSNER

^{۱۷} زیگفرید گیدئون (1888-1968) Siegfried GIDEON

^{۱۸} برونو زوی (1918-2000) Bruno Zevi

^{۱۹} رابرت ونتوری (Born in 1925) Robert VENTURI

^{۲۰} آمار از تحقیق د. سمرقند و آرشیو کتابخانه ملی ایران استخراج شده است.

شماره منتشر کند، که نشانه تحلیل رفتن امکانات نشر بعد از انقلاب بود [۱۲].

یک سال بعد، در ۱۹۸۸ م. (۱۳۶۷ ش.)، مجله "معماری و شهرسازی" شروع به انتشار کرد، که در ابتدا هرچند به صورت نامنظم تا سال ۱۹۹۲ منتشر می شد ولی پس از آن به صورت یک نشریه تمام تخصصی در معماری و شهرسازی تا به امروز منتشر می شود. در سال ۱۹۸۹ م. (۱۳۶۸ ش.)، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران، اقدام به انتشار مجله تخصصی معماری و شهرسازی "صفه" نمود. این نشریه از نظر ارزش علمی و تخصصی دارای رتبه خاص علمی - پژوهشی، از سوی وزارت علوم ایران است. خوشبختانه این نشریه هنوز در حال انتشار است. یکسال و نیم بعد، پس از "صفه" در سال ۱۹۹۱ م. (۱۳۷۰ ش.)، مجله "آبادی" منتشر شد، که منظم ترین مجله معماری و شهرسازی بعد از انقلاب اسلامی در ایران در دوره اول بوده است که انتشار آن هم اکنون نیز ادامه دارد. "آبادی" توانست تیراژ یک نشریه تخصصی معماری را در ایران به بالاترین رقمی برساند که پیش از آن سابقه نداشت. هدفش نیز انعکاس حرکت های معماری و شهرسازی ایران و جهان به منظور ایجاد محیط بحث و تبادل نظر در میان صاحب نظران بود. به این ترتیب بعد از یک توقف ۸ ساله پس از انقلاب اسلامی در نشر مجلات تخصصی معماری، طی چهار سال متوالی یعنی از سال ۱۹۸۷ م. (۱۳۶۶ ش.) تا ۱۹۹۱ م. (۱۳۷۰ ش.)، هر سال یک مجله معماری جدید در ایران متولد شده است. که غیر از "معماری و هنر/ایران"، بقیه انتشارشان ادامه پیدا کرده است. و این نشان از ایجاد تحولی در امکانات نشر و توجه عمومی به نشر معماری دارد. به این ترتیب و با این شرایط است که نشر معماری در ایران از یک سال بعد از این پا به دوران رشد جهشی خود می گذارد.

۴. تقسیم بندی موضوعی آثار مکتوب معماری

در دوره دوم

در مطالعه موضوعی دوره دوم نشر معماری در ایران، یعنی از سال ۱۹۹۲ م. (۱۳۷۳ ش.) تا سال ۲۰۰۵ م. (۱۳۸۴ ش.)، بجز بخش بسیار کوچکی از جلد دوم "کتابنامه معماری" و فهرست های موضوعی کتابخانه ملی. منبع جامع دیگری وجود ندارد. بویژه در بخش نشریات که عملاً تنها روش ممکن بررسی لیست نشریات منتشر شده در آرشیوهای متفاوت منجمله کتابخانه ملی، می باشد.

۴-۱. نشر کتاب در دوره دوم:

از مجموع ۵۶۰ اثر کتابی منتشر شده در دوره دوم نشر معماری در ایران، در یک تقسیم بندی کلی می توان ۱۳۶ عنوان را به "معماری ایرانی - اسلامی" (حدود ۲۴ درصد) و ۴۲۴ اثر باقی را به "معماری معاصر" و یا "تاریخ معماری غرب" (حدود ۷۶ درصد) اختصاص داد.

پس از چهارده سال، یعنی تا سال ۱۹۶۲ م. (۱۳۴۱ ش.)، هیچ مجله ی تخصصی معماری یا مجله فرهنگی و هنری دیگری که نشر مطالبی در باره معماری را در برنامه کار خود قرار دهد منتشر نشد. لیکن در این سال. ماهنامه "هنر و مردم"، با هدف آشنا کردن عامه مردم با فرهنگ و هنر ایران، منتشر شد و در مقابل ۱۴ سال وقفه ی پیش از خود، یک سابقه ۱۸ ساله انتشار مداوم از خود بجا گذاشت، و مقالات گوناگونی نیز در معماری منتشر نمود. این نشریه در واقع یک نشریه تخصصی معماری نبود و عمدتاً فرهنگ عمومی را هدف قرار داده بود. چهار سال پس از اولین شماره "هنر و مردم"، یعنی به سال ۱۹۶۶ م. (۱۳۴۵ ش.) وزارت آبادانی و مسکن نشریه ای با نام "آبادانی و مسکن" را منتشر نمود که در مدت سه سال فقط سه شماره از آن منتشر شد. این نشریه نیز غلی رغم آنکه به مسایل معماری نیز می پرداخت بیشتر یک خبر نامه از فعالیتهای عمرانی وزارتخانه برای عموم بود.

همچنین از سال ۱۹۶۶ م. (۱۳۴۵ ش.) تا سال ۱۹۷۰ م. (۱۳۴۹ ش.)، پنج شماره از بولتن "انجمن آرشیتکتهای ایران" نیز منتشر شد، که آنهم بیشتر به گزارش عملکرد این انجمن می پرداخت. نشریه "باستانشناسی و هنر/ایران" نیز که از سال ۱۹۶۸ م. (۱۳۴۷ ش.) سالی دو بار منتشر می شد و تا سال ۱۹۷۳ م. (۱۳۵۲ ش.) نیز ادامه یافت یک نشریه تخصصی باستان شناسی بود که به ضرورت گاهی مباحثی از معماری باستانی ایران را با نگاهی باستان شناسانه ارائه می نمود. لیکن جز نشریه "آرشیتکت" هیچکدام از این نشریه ها را نمی توان نشریه تخصصی معماری یا شهرسازی دانست. در حقیقت بعد از تعطیل "آرشیتکت" در ۱۹۴۸ م. (۱۳۲۷ ش.)، بیست و یک سال طول کشید تا مجله "هنر و معماری"، دومین مجله تخصصی معماری تا قبل از انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۶۹ م. (۱۳۴۸ ش.) منتشر شود؛ و انتشار آن ۱۰ سال، تا سال ۱۹۷۹ م. (۱۳۵۸ ش.) به صورت سه ماه یکبار ادامه یافت. این مجله تا انتهای دوره اول تاریخ نشر معماری در ایران پر سابقه ترین مجله تخصصی معماری بوده است [۱۱].

بار دیگر تا ۸ سال پس از انقلاب اسلامی مجله تخصصی معماری در ایران منتشر نشد^۱. تا آنکه در سال ۱۹۸۷ م. (۱۳۶۶ ش.) "معماری و هنر/ایران" تأسیس شد. اما نتوانست در مدت سه سال بیش از ۶

^۱ البته در این میان پنج نشریه زیر منتشر شدند که انتشار دو تا از آنها بصورت گاهنامه هنوز ادامه دارد. که در تمام این پنج نشریه به مباحث معماری یا از دید باستان شناسانه پرداخته شده است و یا فرهنگ عامه را هدف قرار داده بودند و هیچکدام نشریه تخصصی معماری بحساب نمی آیند، این نشریات عبارتند از: انجمن آثار ملی، ۱۹۷۶ م. (۱۳۵۵ ش.)، تهران. فرهنگ معماری ایران، ۱۹۷۶ م. (۱۳۵۵ ش.) الی ۱۹۷۷ م. (۱۳۵۶ ش.)، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، تهران.

جامعه و معماری ایران، ۱۹۷۹ م. (۱۳۵۸ ش.) : کامران شاهین فر، تهران.

اثر، ۱۹۸۰ م. (۱۳۵۹) تا کنون: سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

باستان شناسی و تاریخ، ۱۹۸۶ م. (۱۳۶۵ ش.) تا کنون: تهران.

تاریخی نشان از کمرنگ تر شدن این بخش از مطالعه معماری در این دوره می دهد.^{۲۱}

در گروه کتابهای "معماری معاصر" و "تاریخ معماری غرب" از بین ۴۲۴ عنوان کتاب میتوان بر اساس موضوع تقسیم بندی زیر را اعمال نمود:

۳۰۴ کتاب درباره "نظریه معماری معاصر" که ۲۵۱ اثر (حدود ۸۲ درصد) ترجمه شده اند و تنها ۵۳ اثر (حدود ۱۸ درصد) تألیفند. آثار ترجمه ای گاهاً از نویسندگان پر اهمیتی چون کوین لینچ^{۲۲}، چارلز جنکز^{۲۳}، پل لازیو^{۲۴}، فرانک چینگ^{۲۵} و پتر بلیک^{۲۶} علاوه آثار دیگری از نویسندگان دوره قبل چون زیگفرید گیدئون و لئوناردو بنه ولو انتخاب شده اند.^{۲۷} در میان مترجمین این آثار نیز به غیر از چند مترجم فعال و با سابقه در عرصه معماری که در دوره گذشته نیز اقدام به ترجمه آثار معماری کرده بودند، نسل جدیدی از محققین و مترجمین مسایل معماری و شهرسازی پا به عرصه گذاشتند، که در این میان می توان به جهانشاه پاکزاد و ترجمه کتاب "زیبا شناختی در معماری" نوشته یورک گروترو اشاره نمود. البته به همان میزان که آثار ترجمه ای با ارزش در این دوره منتشر می شود آثار ترجمه ای نیز انتشار می یافته است که یا خود کتاب از ارزشهای نظری بالای برخوردار نبوده و یا آنکه کتاب با اهمیتی به وسیله یک ترجمه غیر اصولی به اثری بلامصرف تبدیل شده است. در این زمینه می توان به کتاب مشهور و معتبر چارلز جنکز با نام "پست مدرنیسم چیست؟" اشاره نمود که با ترجمه ضعیف فرهاد مرتضایی به یک اثر غیر قابل مصرف در ادبیات معماری فارسی تبدیل شده است. ولی در عرصه تألیف "نظریه معماری معاصر" گروهی از محققین و نویسندگان که تا پیش از آن به گروه مترجمان معماری منسوب بودند، دست به تألیفات جدیدی در عرصه معماری زدند. شاید در این میان بتوان باز هم به منوچهر مزینی، اشاره نمود. او با اولین اثر تألیفی خود با نام "از زمان و معماری" نشان داد که به اندازه ای که در ترجمه دارای خلاقیت است در تألیف نیز از توانایی های ویژه ای برخوردار بوده است. از دیگر نویسندگان این عرصه با نام محمد منصور فلامکی برخورد میکنیم که علاوه بر نگارش کتابهایی در مرمت و تاریخ شهرسازی ایران، تألیفاتی نیز در عرضه نظریه معماری دارد. کتابش با عنوان "ریشه ها و گرایش های نظری در معماری معاصر"، علی

در همین ابتدای امر ملاحظه می شود که در مقایسه با دوره اول، این تناسب تقریباً معکوس شده است.

۱۳۶ عنوان کتابهای حوزه "معماری ایرانی و اسلامی" در دوره دوم را میتوان به صورت زیر تقسیم بندی موضوعی نمود:

۵۶ کتاب به "تاریخ هنر و معماری ایرانی و اسلامی": که ۳۵ عنوان از این کتابها (۶۲/۵ درصد) تألیف و ۲۱ مورد بقیه (۳۷/۵ درصد) ترجمه اند. در میان مؤلفان تاریخ معماری ایران که آثارشان در این دوره به چاپ رسیده است، می توان از استاد محمد کریم پیرنیا، غلامحسین معاریان و کامبیز حاجی قاسمی نام برد.

۳۲ کتاب، "فنون معماری سنتی ایران": که همگی آنها تالیفند و هیچکدام ترجمه نمی باشند.

۲۴ کتاب به "باستان شناسی معماری ایران": بجز ۵ مورد که ترجمه اند بقیه ۱۹ عنوان، همه تألیفند.

۱۲ کتاب به "نظریه معماری سنتی ایران": که همه این آثار تألیفند. در این میان مؤلفان این آثار می توان از علی اکبر صارمی با کتاب

ارزشهای پایدار در معماری ایران" نام برد همچنین به کتاب "احیای هنرهای از یاد رفته: مبانی معماری سنتی در ایران" اثر مهناز رئیس زاده نیز اشاره نمود.

۶ کتاب به "احیاء و مرمت آثار تاریخی ایران": که تماماً تألیفند. در این میان شاید مهمترین آثار مربوط به محمد منصور فلامکی باشد.

۵ کتاب به "شهر سازی سنتی ایران": که از این میان جز یک اثر، ۴ اثر باقی تألیفند. که در میان آنها باز هم با نام محمد منصور فلامکی

برخورد می کنیم که با کتاب "فارابی و سیر شهروندی در ایران" در این زمینه نیز کار پژوهشی مهمی را به انجام رسانیده است. اثر قابل توجه دیگری در این زمینه با نام "از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن در ایران" اثر سید محسن حبیبی

نیز به طبع رسیده که مورد استقبال خوانندگان در این دوره قرار گرفته است. او در این کتاب به سیر تحول شهر در ایران از روزگار پیش از اسلام تا شکل گیری شهرهای دوره پس از اسلام با نگاهی تازه پرداخته است.

و ۱ کتاب به "دایره المعارف معماری اسلامی": که تا کنون ۱۰ جلد آن منتشر شده است

در مقایسه این تقسیم بندی موضوعی با دوره ماقبل ملاحظه می شود که سه عنوان موضوعی، یعنی "باستان شناسی معماری ایران"،

احیاء و مرمت آثار تاریخی ایران" و "شهر سازی سنتی ایران"، به مجموعه عناوین اضافه شده است. همچنین رشد قابل ملاحظه کتب

تاریخی نیز با توجه به دوره زمانی نشر، قابل توجه است. این میزان رشد نزدیک به دوبرابر در تعداد عناوین مشابه است که با احتساب

کتب باستان شناسی در این زمینه میزان رشد آن نزدیک به سه برابر کل دوره اول است. لیکن در بخش "نظریه معماری سنتی" با

افزایش کمتر از دو برابر مواجهیم که در تناسب با بخش مطالعه

^{۲۱} رجوع کنید به آرشيو تخصصی معماری، کتابخانه ملی ایران، تهران. تا انتهای سال ۲۰۰۵.

^{۲۲} کوین لینچ (Kevin LYNCH, (Born in 1918

^{۲۳} چارلز جنکز (Charles JENCKS (Born in 1939

^{۲۴} پل لازیو (Paul LAZIO (Born in 1937

^{۲۵} فرانک چینگ (Frank CHING (Born in 1943

^{۲۶} پتر بلیک (Peter BILAK (Born in 1920

^{۲۷} نام بردن از تمامی نویسندگان و آثار ترجمه ای آنها در این بخش موجب اطناط مطلب شود. لذا به همین میزان بسنده می نماییم. - نگارنده.

آثارشان را در معرض نقد عمومی نیز قرار دادند. کاری که تا این هنگام توسط هیچ معمار ایرانی دیگری در این مقیاس تجربه نشده بود. در میان دیگر آثار در خور تامل در "معماری معاصر ایران" می توان کتاب "معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه ها و پیدایش معماری جدید در ایران" را مثال آورد که حاصل پایان نامه دوره دکتری مصطفی کیانی می باشد که بصورت کتاب منتشر شده است. محمد منصور فلامکی^۱ نیز در این زمینه یک اثر تألیفی با نام "شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب" دارد که به نوعی مطالعه تطبیقی در معماری معاصر غرب و ایران نزدیکتر است تا به یک اثر صرفاً معماری معاصر ایران.

۱۲ کتاب در باره "تاریخ عمومی هنر و معماری": که جز دو کتاب از ۱۲ کتاب این حوزه بقیه همه ترجمه اند. از این دو اثر تألیفی یکی از ارزش بسیار بالایی در هنرهای تجسمی برخوردار است. این کتاب با عنوان "در جستجوی زبان نو" اثر پرمایه و عمیق روئین پاکباز در تاریخ نقاشی مدرن است که به طور قطع با نمونه های غیر ایرانی آن رقابت می نماید و از تحلیل بسیار تازه و عمیقی در این زمینه برخوردار است. متأسفانه این کتاب به تاریخ معماری نپرداخته و عمده تلاشش در زمینه معرفی و تحلیل نقاشی در دوران معاصر است. از طرفی در بین آثار ترجمه ای به آثار ارزنده ای چون "تاریخ مختصر معماری، تگاهی نو به سرگذشت معماری" اثر کریستوف هوکر با ترجمه فرهاد گشایش و یا کتاب "مفاهیم و رویکرد ها در آخرین جنبش های هنری قرن بیستم" اثر ادوارد لوسی اسمیت^۲ و ترجمه علیرضا سمیع آذر برمیخوریم. ۶ کتاب در باره "نظریه عمومی در معماری":

که ۴ کتاب آن ترجمه و دو کتاب تألیفند. ۱۱ کتاب "واژه نامه" و "فرهنگ معماری".

در مقایسه این تقسیم بندی با دوره اول، ملاحظه می شود تنها عنوان موضوعی "نظریه و تاریخ شهر سازی" به مجموعه اضافه شده است. لیکن رشد عناوین کتابها، شتاب قابل ملاحظه ای را در وضعیت نشر معماری نشان می دهد. به این معنا که در بخش نظریه معماری با رشدی معادل ۱۵ برابر عناوین مواجه هستیم که با احتساب دوره زمانی رشد بسیار بالایی را نشان می دهد. همچنین رشد ۱۷ برابری کتب در حیطه معماری معاصر ایران نیز نشان از این واقعیت می دهد که مسئله معماری امروز ایران در این مقطع مورد توجه واقع شده است. لیکن در همین دوره و در مقایسه موضوعی کتابهای معماری و شهر سازی، ملاحظه می شود، که در مطالعات تاریخی توجه به "نظریه" کمکان کمتر (حدود یک یازدهم) و در بخش "معماری معاصر" بسیار بیشتر (حدود سه چهارم) است. مشاهده میشود که در زمینه معماری ایرانی و اسلامی اکثر آثار تألیفی هستند و آثار ترجمه نسبت محدودی را در بر می گیرند. در حالی که در بخش "معماری معاصر" و "تاریخ معماری

رغم متن فارسی بسیار پیچیده و صقیل الفهم آن، تلاش ارزنده ای در این زمینه محسوب می شود.

۷۴ کتاب درباره "نظریه و تاریخ شهر سازی": که ۱۴ عنوان (حدود ۱۹ درصد) ترجمه و ۶۰ عنوان دیگر (حدود ۸۱ درصد) تألیفند. در حوزه ترجمه می توان به ترجمه راضیه رضازاده از کتاب "تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی" اثر جیمز موریس اشاره کرد. همچنین باید از ترجمه منوچهر مزینی از کتاب "سیمای شهر" اثر کوین لینچ یاد کرد، که به سرعت جای خود را در بین کتاب های مرجع فارسی در این رشته باز نمود. دو اثر دیگر که در این زمینه از آثار لینچ به فارسی برگردانده شده است به ترتیب کتاب "تئوری شکل شهر" و کتاب "تئوری شکل خوب شهر" می باشند که هر دو به کوشش حسین بحرینی ترجمه شده است. همچنین کتاب شهر سازی، واقعیات و تخیلات" اثر مشهور فرانسواز شوای، ترجمه سید محسن حبیبی را نیز باید به این مجموعه افزود که اکنون از کتابهای مرجع بویژه در دانشگاه تهران محسوب می گردد. در عرصه تألیف در این رشته جهانشاه پاکزاد از مولفین شناخته شده و صاحب سبک محسوب می شود. مجموعه کتابهای "راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران" اثر وی یکی بهترین آثار تألیفی در این دوره محسوب می گردد. از دیگر مؤلفان این بخش می توانیم به اسماعیل شیعه و کتاب "مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری" او اشاره کنیم، که هر چند کتابی در برنامه ریزی شهری است و نه طراحی، لیکن کتاب مفیدی است که مرجع برخی از دانشگاههای ایران است. دیگر می توان به کتاب "مرمت شهری" تألیف سید محسن حبیبی و ملیحه مقصودی اشاره کرد. همچنین میتوانیم از دو اثر تألیفی حسین بحرینی نیز یاد آوری کنیم. کتاب "تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری" و کتاب "فرآیند طراحی شهر" دو اثر با اهمیت او میباشد.

۱۷ کتاب درباره "معماری معاصر ایران": که از هر ۱۷ عنوان این کتابها، تمامیشان تألیفند. هر چند در میان این آثار، کارهای با اهمیت کمتر، بیشترند ولی در مطالعه آنها میتوان آثار در خور توجهی را نیز یافت که حاصل تلاش محققین این رشته و یا حتی پدید آورندگان آثار معماری معاصر ایران اند. گروهی از این کتابها به معرفی آثار یک معمار ایرانی در دوران معاصر اختصاص یافته است. به عنوان نمونه می توان از کتاب "معماری کریم طاهر زاده، مجموعه معماری دوران تحول در ایران معاصر" نام برد که توسط بیژن شافعی، نوشته شده است و تلاشی برای معرفی شخصیت و آثار یکی از معماران بنام ایران در دوران "پهلوی اول" است. همچنین در این زمینه می توان به دو اتوکریتیک نیز اشاره کرد. علی اکبر صارمی در کتاب "طرحهایی از معماری ایران، آثار علی اکبر صارمی" و سید هادی میرمیران در کتاب "مجموعه آثار مهندس سید هادی میرمیران" با اعتماد به نفس بالایی اقدام به معرفی آثار خود پرداخته و از آنها اتوکریتیکی قابل قبول ارائه نمودند. بعلاوه، با این کار

^۲ ادوارد لوسی اسمیت Edward LUCIE-SMITH

داد. نشریات "آبادی" و "معماری و شهرسازی" نیز با مشاهده موفقیت "معمار" اقدام به تغییرات ساختاری در سیستم درونی خود نمودند و هر دو آنها از سال بعد با شماره های "اول" و "تحت نام سری جدید اقدام به انتشار مجلات خود کردند.

این روند منجر به آن شد که از سال ۱۹۹۹م. (۱۳۷۸ش.) به این سو، رشد فزاینده نشریات تخصصی معماری و شهرسازی را شاهد باشیم. به این معنا که فقط در سال ۱۹۹۹م. (۱۳۷۸ش.) پنج نشریه تخصصی دیگر به مجموعه نشریات تخصصی معماری و شهرسازی ایران اضافه شد که چاپ آنها هنوز هم ادامه دارد. این نشریات عبارت اند از: "ساخت و ساز"، "معماری ایران"، "رواق"، "معماری و فرهنگ" و "شهرداریها".

"ساخت و ساز" و "رواق" از همان ابتدا به دلیل آنکه در داوری مقالات چندان سختگیر نبودند، هرگز به عنوان یک نشریه موفق تخصصی محسوب نشدند. نشریه "معماری ایران" نیز هرچند که توسط محمد رضا جودت، که یکی از محققین معماری در ایران است، منتشر میشود، ولی هرگز نتوانست وزنی به اندازه "معمار" یا "آبادی" و یا "صفه" کسب نماید. در این میان دو نشریه باقی مانده یعنی "معماری و فرهنگ" و "شهرداریها" با توجه به مشاوران و هیئت تحریریه مناسبی که در اختیار دارند نشریات مطلوبی ارزیابی می شوند.

در سال ۱۹۹۹م. (۱۳۷۸ش.) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اقدام به نشر مجله ای با نام "هنرهای زیبا" کرد، که در هر شماره آن مباحثی به معماری و شهرسازی تعلق دارد. این نشریه نیز بدلیل کادر فنی مجرب از اعتبار بسیار بالایی از نظر علمی برخوردار است و دارای رتبه علمی- پژوهشی از وزارت علوم ایران می باشد. همچنین دو نشریه تخصصی به نامهای "کتاب ماه هنر" و "فصلنامه هنر" در همین سال شروع بکار نمود، که در صدی از آن به معماری و مباحث نظری معماری اختصاص می یافت و نشریات قابل توجهی از لحاظ محتوی محسوب می شوند. در سال ۲۰۰۰م. (۱۳۷۹ش.) نیز "آرمانشهر"، "سوره"، "دریچه هنر" نیز به مجموعه این نشریات اضافه شدند، که تنها در میان این سه نشریه، "آرمانشهر" را میتوان نشریه تخصصی شهرسازی به حساب آورد. در سال ۲۰۰۱م. (۱۳۸۰ش.) یک نشریه تخصصی جدید شهرسازی با نام "جستارهای شهرسازی" متولد می شود و در ادامه آن یک نشریه معتبر در زمینه فلسفه هنر با نام "زیبا شناخت" نیز منتشر شد، که انتشار هردو آنها کماکان ادامه دارد. همچنین نشریه "معماری داخلی" به عنوان اولین نشریه تخصصی در این زمینه در ایران نیز انتشار یافت که هرچند بیشتر یک نشریه تبلیغاتی محسوب می شود ولی نشان از آغاز توجه عمومی به مقوله معماری داخلی نیز دارد. هرچند سالهای ۱۹۹۹م. (۱۳۷۸ش.) تا ۲۰۰۱م. (۱۳۸۰ش.) سالهای پربراری در زایش نشریات تخصصی هنر و معماری بود ولی در سال ۲۰۰۲م. (۱۳۸۱ش.) ملاحظه می شود که هیچ نشریه تخصصی معماری و یا هنری جدیدی پا به عرصه نمی گذارد.

عرب" که ۷۵در صد کل آثار انتشار یافته دوره دوم را بخود اختصاص می دهد نسبت آثار تألیفی بسیار اندک است. در مطالعه انجام شده در حوزه معماری معاصر ایران، رشد ۱۷ برابری آثار انتشار یافته در مدت زمان تقریباً معادل یک هفتم دوره قبل، نشان می دهد که موضوع معماری معاصر ایران به عنوان یک مسئله جهت اندیشیدن محققین این رشته مطرح شده است.

۲-۴. نشر مجلات تخصصی در دوره دوم:

در بخش نشریات و مجلات معماری در دوره دوم ملاحظه می شود که، ۶ سال پس از چاپ اولین شماره مجله "آبادی" که در انتهای دوره اول تاریخ نشر معماری در ایران، انتشار آن شروع شد و هنوز نیز ادامه دارد، مجله تخصصی "شمسه" در سال ۱۹۹۷م. (۱۳۷۶ش.) توسط دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت منتشر شد. "شمسه" نیز شروع خوبی از خود نشان داد اما این شروع خوب دوام زیادی نیاورد و بتدریج با تأخیرهای طولی المدت منتشر می شد. این شیوه از انتشار تقریباً برای "شمسه" به یک سنت تبدیل شده و کماکان ادامه دارد.

یکسال پس از "شمسه"، در سال ۱۹۹۸م. (۱۳۷۷ش.) مجله "معمار" کار خود را آغاز کرد. "معمار" در ابتدا نشریه ای بود کاملاً معمولی اما پس از یک دوره سه ساله، با تحول اساسی در ساختار اعضای تشکیل دهنده و یافتن حمایت کننده مالی جدید، نحوه برخورد با موضوع نشر معماری را به گونه ای جدید دنبال نمود، و لذا تبدیل به یک نشریه موفق معماری در ایران شد. "معمار" در هر شماره خود که بصورت فصلنامه منتشر می شود، سعی در معرفی آثار یک معمار ایرانی و یا یک اثر مهم در معماری معاصر ایران در قالب ارائه عکس و پلانهای آن اثر را دارد. در کنار این جریان نیز سعی می نماید تا یک معمار و یا یک اثر ارزشمند معماری را در خارج از ایران را نیز به این شیوه معرفی نماید. حداکثر توضیحی که در مورد این آثار در "معمار" داده میشود، توضیحات فنی است که دست اندرکاران آن پروژه ها در یک مصاحبه اختصاصی با نشریه ارائه می نمایند. این عملکرد هرچند جذابیت زیادی برای جوانان دانشجوی معماری دارد و منجر به تیراژ بالای مجله شده است ولی جایگاه نقد را کاملاً خالی نگاه می دارد آنچه که در "معمار" هنوز جای خالی آن به چشم می خورد، مباحثی در نظریه های معماری و نقد علمی آثار ارائه شده توسط سایر منتقدین و محققین است.

البته در این سال نشریه "هنرهای تجسمی" نیز به عنوان یک نشریه تخصصی هنر منتشر شد که گاهاً به مباحث معماری و شهرسازی نیز می پردازد. ولی آنرا نمی توان یک نشریه تخصصی معماری یا شهرسازی به حساب آورد.

در این زمان انتشار پنج نشریه تخصصی "معماری و شهرسازی"، "صفه"، "آبادی"، "شمسه" و "معمار" نوید تقاضای بسیار بیشتر دوستداران و محققین معماری و توسعه امکانات تدوین و نشر را می

معماری معاصر و غرب ملاحظه می‌گردد در دوره اول تنها ۲۴ درصد کل آثار (۲۰ اثر از دوره اول) به این زمینه اختصاص یافته است و در مقابل در دوره دوم ۵۴ درصد از کل آثار طبع شده در این دوره (۳۰۴ اثر از دوره دوم) به معماری معاصر و غرب پرداخته است. لذا با مطالعه این آمار اکنون به خوبی روشن می‌شود که: اولاً؛ همانگونه که در عرصه ساختمانی معماری معاصر ایران مشهود است، در عرصه کلامی و نظری نیز کارهای انجام شده در راستای تولید و انتشار نظریات معماری غربی در ایران است.

بدین لحاظ باید گفت که بنظر می‌رسد برای رسیدن به یک معماری بومی که بتواند نماینده تمدن امروز ایران باشد، به جریان اندیشه ای با تلاش بیشتری در این زمینه نیاز است. چنین بنظر می‌رسد که کار روی نظریه‌های علمی منسجم در این زمینه بسیار اندک و پراکنده تر از آن است که بتواند به خلق آثار شاخص معماری در قالب نظریات علمی باشد.

ثانیاً؛ این آمار به ما نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار عمومی، تمایلات معماری امروز ایران در دوران پیش از انقلاب اسلامی در خلق نظریه معماری ایرانی - اسلامی بیش از دوران پس از انقلاب اسلامی بود. لذا در چنین شرایطی می‌توان انتظار موفقیت بیشتری در خلق آثار معماری با خاستگاههای بومی و ایرانی در دوران قبل از انقلاب اسلامی را داشت. ثالثاً؛ بر مبنای آمار ملاحظه می‌شود که تمایلات معماری و سبکهای غربی در یک دهه ونیم اخیر از رشد نظری بسیار زیادی برخوردار شده است و این موضوع به خوبی می‌تواند توجیه نماید که چرا در دوران اخیر آثار معماری خلق شده در ایران به سمت راهکارهایی برای خلق یک معماری غیر بومی حرکت کرده است و برعکس تمایلات رسیدن به نمونه‌های موفق معماری غربی در دستور کار معماران قرار داشته است.

در این میان نباید فراموش کرد که شرایط اولیه انقلاب اسلامی و خصوصاً شرایط همزمان با جنگ و مشکلات اقتصادی ناشی از آن و تحریم‌های بین‌المللی، در وحله اول ضرورت دستیابی به نیازهای مهندسی و تولید کمی معماری را ناگزیر می‌نمود. بدیهی است که پیش از برآورد این نیازها نمی‌توان به مسایل ثانوی چون نظریه پردازی پرداخت. خوشبختانه در شرایط کنونی با تاسیس و توسعه دوره‌های دکتری معماری در دانشگاههای داخل و راه اندازی کرسی‌های نظریه پردازی در دانشکده‌های معماری و بر طرف شدن بخش بزرگی از حداقل‌های اجرایی و اقتصادی و آبادانی‌های عمومی که شرط لازم برای رسیدن به حوزه نظریه است، میتوان چنین استنباط نمود که فضا برای کار بیشتر در این خصوص کاملاً محیا می‌باشد. این نتایج به خوبی نشان می‌دهند که با توجه به کار انجام شده نظری در معماری امروز ایران رسیدن به یک معماری دارای مبانی مشخص نظری، انتظاری غیر واقع بینانه می‌باشد، که با توجه به شرایط مساعد کنونی نیازمند توجه و فعالیت بیشتر در عرصه تولید نظریه معماری بومی ایران زمین می‌باشد و باید این موقعیت را مغتنم شمرد.

لیکن در سال ۲۰۰۳م. (۱۳۸۲ش.) فرآیند نشر تخصصی معماری و شهرسازی با انتشار دو نشریه *اندیشه ایرانشهر* و *شهرستان* از سر گرفته می‌شود. که هر دو از وزن علمی و ترویجی مطلوبی نیز برخوردارند.

آخرین نشریه تخصصی در این دوره با نام *"باغ نظر"* به سال ۲۰۰۴م. (۱۳۸۳ش.) نشر خود را آغاز نمود. این نشریه که کاملاً به مباحث نظری معماری، شهر سازی و هنر توجه دارد، توسط یک پژوهشگرده خصوصی تولید و منتشر می‌گردد.

۵. نتیجه گیری

هرچند که مطالعه آماری و مشاهده طیف آثار منتشر شده به زبان فارسی در حیطه معماری و شهرسازی (اعم از تألیف و ترجمه و مجلات) کمی طولانی شد، ولی زمینه تحلیل مناسبی در بررسی شکل گیری اندیشه و نظریه در معماری معاصر ایران را بدست می‌دهد. آمار نشان می‌دهد که در دو دوره طرح شده، تعداد نشر معماری در ایران در قالب کتاب جمعاً ۶۴۳ اثر در خور اهمیت بوده است. از این تعداد ۸۳ اثر (معادل ۱۳ درصد کل) به دوره اول و ۵۶۰ اثر (معادل ۸۷ درصد کل) به دوره دوم اختصاص یافته است. لذا در ابتدا چنین می‌توان نتیجه گرفت که کار نظری انجام شده در دوره دوم از حجم بالاتری برخوردار است. از کل ۶۴۳ اثر طبع شده، تعداد ۱۸۹ اثر (معادل ۳۰ درصد کل) به مطالعات معماری سنتی و ایرانی و اسلامی تعلق دارد و ۴۵۴ اثر (معادل ۷۰ درصد کل) به معماری غرب و معاصر راجع است. لذا بخوبی مشخص می‌شود که گرایش نظری در مجموع دو دوره، بسیار متمایلتر به سمت مطالعه و تحقیق در معماری غرب و معاصر است تا معماری ایرانی - اسلامی. بنابراین طبیعی بنظر می‌رسد که در مجموع هر دو دوره، تولید آثار معماری به سبک غربی اقبال بیشتری در بین معماران اهل قلم داشته است. لیکن اگر به تفکیک به این آمار دقت کنیم نتایج جالب دیگری نیز بدست می‌آید.

در دوره اول ملاحظه می‌شود که از ۸۳ اثر منتشر شده، ۶۳ درصد آثار آن (۵۳ اثر از دوره اول) به مباحث معماری ایرانی - اسلامی پرداخته و تنها ۳۷ درصد آثار (۳۰ اثر از دوره اول) به معماری غرب و معاصر توجه داشته است. این در حالی است که این نسبت در دوره دوم به نحو بارزی معکوس میشود. در دوره دوم از ۵۶۰ کتاب منتشر شده ۲۴ درصد آثار (یعنی ۱۳۶ اثر) به معماری ایرانی - اسلامی و ۷۶ درصد آثار (یعنی ۴۲۴ اثر) به معماری غرب و معاصر راجع می‌شود. اگر این مطالعه آماری را فقط به بخش نظریه معماری محدود کنیم نتایج قطعاً روشنتر خواهند شد، به این ترتیب که در بعد نظریه معماری ایرانی - اسلامی در دوره اول مشاهده می‌شود که ۸/۴ درصد از کل آثار دوره اول (یعنی ۷ اثر) به این موضوع اختصاص یافته است در حالی که این امر در دوره دوم به ۲/۳ درصد کل آثار (یعنی ۱۲ اثر) کاهش یافته است. همچنین در بخش نظریه

مراجع

- [۱] گروتز، یورک، زیبا شناختی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صفحه ۸۰-۷۹، ۱۳۷۵.
- [۲] فلامکی، محمد منصور، شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب، نشر فضا، صفحه ۱۰، ۱۳۷۱.
- [۳] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۳۶-۲۵، ۱۳۷۷.
- [۴] مفتخری نظری پور، طاهره، کتابنامه معماری، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۹.
- [۵] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۲۵، ۱۳۷۷.
- [۶] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۲۵، ۱۳۷۷.
- [۷] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۲۵، ۱۳۷۷.
- [۸] مفتخری نظری پور، طاهره، کتابنامه معماری، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۹.
- [۹] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۲۶، ۱۳۷۷.
- [۱۰] هوانسیان، وارطان، «چشم انداز معماری ایران»، مجله آرشیتکت، شماره های ۱.۲ و ۳، ۱۳۲۵.
- [۱۱] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۳۰، ۱۳۷۷.
- [۱۲] سمرقند، د، «ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز»، مجله معمار، شماره ۳، صفحه ۳۰، ۱۳۷۷.
- [13] HAGHIR, Saeed., *Les Sources De L'architecture Contemporaine en Iran*, Thèse de Doctorat en Histoire de l'Architecture, Directeur: Professeur Claude MASSU, Université Paris 1, France, 2008, pp. 384-410.
- [14] HAGHIR, Saeed., *Les Sources de L'architecture Contemporaine en Iran*, Thèse de Doctorat en Histoire de l'Architecture, Directeur: Professeur Claude MASSU, Université Paris 1, France, 2008, p.325.